

آیا بنیاد گرایان واقعاً بخاطر اسلام مبارزه میکنند؟

از سه دهه به اینطرف، صدای (اخوت اسلامی) در جهان بلند است، تا باشد که جوامع اسلامی را از زیر بار ظلم و ستم کشورهای استعماری نجات بخشند. نخست این حرکت از کشورهای چون سوریه، سودان، مصر و بعضی نقاط دیگر آغاز گردید، که هدف بیشتر روی اتحاد مسلمین جهان و خاصتاً اعاده حقوق از دست رفته مردم مظلوم فلسطین بود. با گذشت زمان راه این جنبش با زد و بند های سیاسی و بخصوص دستان غیر و اجیر شده گان از مسیرش خارج گردید، و تا به امروز کشوری اسلامی بوجود نیامد که با شناخت کامل از اسلام برای جوامع اسلامی و مسلمانان جهان سعادت بیار آورده باشد.

مفتی عربستان سعودی بعد از سالها خموشی طالبان را که بخشی از بنیادگرایان میباشند و از حمایت عربستان سعودی و غربیها نیز برخوردارند، آنها را سبب بد نامی اسلام معرفی داشت. و اما در عین وقت یک مقام ارشد کشور عربستان سعودی در مورد نواز شریف صدر اعظم سابق پاکستان گفته است که وی شخص مناسب بوده و با طالبان در مذاکرات نقش بهتر را بازی کرده میتواند. چگونه برای بوجود آوردن (طالبان) تلاش صورت میگردد، تا با ایجاد (ترس و هراس) جلو آزادی، مساوات و عدالت خواهی را در کشورهای اسلامی بگیرند.

مردم جهان شاهد جنبش های آزادیخواهی در بعضی از کشورهای اسلامی میباشند. که برای تامین عدالت اجتماعی به مبارزات خود ادامه میدهند، چنانکه از کشور تونس آغاز و به چند کشور دیگر بشمول مصر نیز سرایت نموده است. البته در سه، چهار روز اول جوشش مردمی در مصر بسیار آرام بود، و اما در روز های بعدی شکل مظاهره تغییر پیدا نمود و مظاهره کننده گان در مصاحبه با خبرنگاران، یکی از رژیم دموکراسی پستی بانی داشته و دیگری حکومت کاملاً اسلامی را در کشور تقاضا مینمود.

البته چون دولت مصر مطمئن شد که همه مظاهره چپان باهم همنظر در تشکیل حکومت آینده نیستند، اعلامیه به نشر رسانید که آنها را الی انتخابات آینده خاموش بسازد، و چون نتیجه نداد در میان شان نفاق و بی نظمی ایجاد نمود، تا به عقب نشینی مجبور شان سازد. چیزیکه قابل تشویش میباشد رهبری درست با برنامه کاری مشخص و همصدا بودن آنها میباشد. گرچه در تونس لیدر مذهبی شان در همان آغاز گفت: من خمینی نیستم، با دیموکراسی مخالف نبوده و به اسلام مدرن مانند ترکیه موافق میباشم.

چندی قبل گورنر ایالت پنجاب پاکستان بخاطر اینکه حکم محکمه در مورد (اعدام یک زن عیسوی) را که به پیغمبر اسلام توهین نموده بود نادیده گرفته، توسط بادی گاردش به قتل رسید، و خودش هم میدانست که این اقدامش باعث مرگش خواهد گشت. سوال در اینجا است که کدام یک از آنها (قاتل و یا مقتول) به اسلام خدمت نموده، و سبب سر بلندی اسلام گردیده است؟

برای دریافت جواب، به زمان حیات پیغمبر اسلام مراجعه کرد، که آیا رسول خدا در زمان حیات، مورد آزار (دشنام) و اذیت قرار گرفته بودند؟ در روایت آمده است اینکه:

زن یهودی که به رسول خدا اذیت میرسانید، یعنی خاکروبه را از بام بالایش می انداخت، ولیکن هر باری رسول خدا از صبر کار میگریفت، و میدانست که روزی ممکن آن زن یهود از عملش پشیمان گردد. آنروزیکه زن یهودی این عمل را انجام نداد، رسول خدا از احوالش جويا گردید و دانستند که آنزن بیمار است، به عیادتش رفت، آنزن از عملش پشیمان بود، از پیغمبر خدا عذر خواسته و داخل اسلام گردید.

در حقیقت این (زن عیسوی) اگر از اخلاق پیغمبر اسلام و رفتارش در برابر آن (زن یهودی) واقف میبود، هرگز چنین خطایی از وی سر نمیزد و شاید زود پشیمان میگردد، متأسفانه گروههای تندرو بجای اینکه در معرفت اسلام و اخلاق پیغمبر خود و دیگران را واقف سازند، از راه خشونت که از سلاطین و امرای ظالم گذشته در (جوامع سنتی) به میراث مانده، و جز از فرهنگ مردم گردیده است کار میگیرند.

مکتب های سیاسی مانند مکتب های مختلف مذهبی که هر کدام تعریف خاص و پیروان برای خود دارند، یکی هم دیموکراسی میباشد. از اینکه نظام دیموکراسی نزد بعضی مردم یک نظام فاسد معرفی شده است، اصلاً نقص در دیموکراسی نبوده، بلکه نقص به دولت مردان و کسان میباشد که ارزشها دیموکراسی را نادیده گرفته، و بنام

(آزادی) از آن سوء استفاده صورت گرفته است، یعنی زمانیکه این نظام بنام دیموکراسی در جهان پا به عرصه وجود گذاشت، آزادیهای خارج چوکات اخلاقی، ظلم و نا برابری را به همراه نداشت.

نظام اسلامی آنچنانکه تعریف شده و نمونه آنرا در زمان خلفای راشدین میتوان سراغ نمود، امروز همچنان صدر اسلام در هیچ نقطه از جهان به ملاحظه نمیرسد. مسلمانان طی چندین قرن در طول تاریخ نتوانسته اند یک نظام واقعی را که بر پایه عدالت و مساوات استوار باشد که خواست هر مسلمان میباید بوجود آورند، نه اینکه کشور بنام اسلامی باشد، اما بی عدالتی و ظلم در آنسرزمین بیداد بزند.

راپورتر! که از کشور غیر اسلامی بود، گذارش از زندگی رقت بار کارگران مظلوم، در شهر (دوبی) که بکارهای (طاقت فرسا) استخدام شده بودند، راپوری تهیه دیده بود، آنها با شرایط بسیار خراب در حالیکه پاسپورت های شان از طرف کار فرما قید شده بود، تا اجازه برگشت را بکشور خود نداشته باشند، این خبر را به جهانیان رسانید، چون در جوامع اسلامی صدای عدالت خواهی بگوش کس نمیرسد.

نظام اسلامی از بهترین نظام هاست، ولیکن تطبیق آن با شرایط موجود که مردم بصورت درست از اسلام آگاهی کامل ندارند و بنام قانون (شریعت) اجراء صورت میگیرد که نتنها برای خود مسلمانان غیرقابل قبول میباید، بلکه برای کشور های غیر اسلامی ظالمانه بحساب میآید، مانند سنگسار و یا دره زدن (زن) در محضر عام، اعدام بدون محکمه، زجر و شکنجه ها و قطع اعضای بدن، که با اصول اسلام به هیچوجه مطابقت ندارد. چه خوب گفته اند: (ندارد اسلام به ذات خود هیچ عیبی، هر عیب و نقص که است در مسلمانی خود ماست).

البته هر نوع سلاح اتمی زنگ خطر برای مردم جهان بحساب میآید، مخترع اتمی قبل از مرگش گفته بود، هرگاه در آغاز میدانست که ازین ماده در جهت تخریبات و نابودی استفاده بعمل میآید، هرگز حاضر نمیشد تا آنرا در اختیار بشر قرار بدهد. ازین عملش پشیمان و آنرا اشتباه دانست.

بلی! هر دین و مذهب که با ظلم و خشونت، زندگی مردم را به بدبختی و سیاه روزی بکشاند، خون بیگناهان را بریزد، در حقیقت خطرش از بم اتم هم بیشتر است.

در نظام کشورهای اسلامی مانند ایران، عربستان و بعضی از کشورهای دیگر اسلامی، آزادی اندیشه که هدیه بزرگ از طرف خداوند تعالی به بندگانش بوده، برای حیات سیاسی و اجتماعی ملت ها یک ضرورت حیاتی بحساب میآید، از مردم گرفته شده است.

بنیاد گرایان تندرو، جوانان و حتی طبقه تعلیم یافته را با افکار تاریک ضد بشری مسموم کننده تربیت مینمایند که برای نسل های آینده بسیار خطر ناک میباید.

در گذارش آمده است: رئیس امنیت ملی از یکتعداد اشخاص مظنون که در یک عمل تخریب کاری از طرف پولیس گرفتار گردیده بودند از طریق تلویزون به مردم معرفی و از آنها خواست تا هر یک خود را معرفی دارند. این تعداد از جوانان با چهره های نورانی و معصومانه سوانح شانرا قرائت میکردند که هر کدام شان با تأسف یا معلم بودند و یاهم فارغ تحصیل شریعات و یا شاگردان در مدارس و کالج های اسلامی آنطرف سرحد.

سوال پیدا میشود که آیا این جوانان تعلیم یافته با عقل و شناخت کامل از دین اسلام به این اعمال ضد بشری دست میزدند و یا اینکه بیخبر از اصول دین خدا، انفجارات و عمل انتحاری را انجام میدادند. چگونه یک مسلمان آگاه با عقل سلیم اینهمه اعمال زشت را بخاطر خدمت به دین خدا انجام میدهد، به جز آنعه از اجیران و دشمنان دین که برای بد نام ساختن اسلام تعهد نموده اند.

اگر واقعا اهداف رهبران احزاب اسلامی خدمت به اسلام بود، امروز معتادین مواد مخدر در جوامع اسلامی به این ارقام بالا نمیرسید، تجاوز، اختطاف اطفال و فروش دختران مسلمان به کشورهای غیر اسلامی و ده ها قضایای دیگر رونق و بازار گرم پیدا نمیکرد.

حزب اسلامی و (طالبان) که اعمال آنها برای بسیاری مردم مانند آفتاب روشن میباید، بخصوص کشتار مردمان بیگناه، تیزاب پاشی و اینکه بدون ترس از خداوند تعالی، مسولیت حملات و کشتار مردم بیگناه را با افتخار به عهده میگیرند، هرگز قابل بخشش نمیباشند.

یک نظام (اسلامی) بر اساس اندیشه های تاریک و خشونت بار که با دیموکراسی موافق نباشد، چگونه میتواند جوابگوی نیازمندیهای اجتماعی و سیاسی و سربلندی کشورشان در جهان باشد.

واقعا اگر جهاد آنها بخاطر اسلام و رفاه مردم مسلمان میبود، در آنصورت به جاهاییکه حضور آنها بیشتر بود، بایست جلو هر نوع ظلم گرفته میشد، سرکها، مکاتب و شفاخانه ها بجای تخریب (آتش سوزی) در اطراف و دهات بیشتر ساخته میشد، امنیت چنان برقرار میبود، تا اکثر مردم شهرها را رها کرده و برای رفاه بیشتر به آن جاها رو میآوردند. اما برعکس مردم از آنجاها نسبت ظلم، اختناق فرار نموده، در شهرها با وجود تراکم نفوس مسکن گزین گردیده اند. بزرگان گفته اند: از هر جای نقص که برگردی، فایده است.

گفته میشود: خداوند تعالی حالت یک فرد و یا یک قوم را تغییر نمیدهد تا آنها خود حالت و نیات شانرا تغییر ندهند، که بایست مثال های واضح از خود قرآن به مردم رسانیده شود.

در جمع مثالها یکی هم مثال از قوم یونس پیغمبر میباشد که خداوند برایشان مهلت داده بود، اگر خود را اصلاح ننمایند عذاب خداوند بالای سرشان فرود خواهد آمد. مردم در اول به آن توجه نداشتند، چیزی به وقت موعود باقی نمانده بود که مردم متوجه ابر های ضخیم و تیره شدند، حالت آسمان دگرگون گشت، مردم دانستند که عذاب خداوند آمدنی است و نظر به وعده که مقرر باشد برگستارنده نمیشود، نزد یونس پیغمبر رفتند تا وعده نمایند که دست از ظلم و خیانت در برابر همدیگر برمیدارند و راه حق را در پیش میگیرند، اما با تعجب دیدند که پیغمبر قبل از وقت مقرر از میان مردم رفته است، البته در میان آنها اشخاص دلسوز و با ایمان پیدا شد که مردم را متوجه خطر ساخته دور هم جمع نماید، تا باهم یکصدا شده و همبستگی کامل را در میان خود حفظ دارند. مردان، زنان (پیر و جوان) حتی اطفال و حیوانات (کوچک) را با خود در دشت بردند، سر به سوی آسمان بلند نموده، به گریه، زاری و عذر پرداختند و از خداوند خواستند تا قهر و عذاب را از بالایشان دور سازد. خداوند تعالی که آنها را متفق و همصدا دید و هم چون پیغمبر شان آنها را قبل از وقت ترک گفته بود، مورد عفو قرار داد یعنی بدبختی و عذاب مقرر شده را از آنها دور ساخت و در عوض زندگی خوش و آرام، شهر زیبا و با طراوت که در منطقه نظیر نداشت نصیب شان گردانید. و اما خود پیغمبر را که در حق مردمش غفلت کرد و قبل از وقت آنها را ترک نموده بود، از کشتی به دهن ماهی قرار داد که بعد از توبه نجات یافت. اینست عدالت خداوند تعالی در برابر بندگانش.

البته این داستانها برای پند و اندرز مردم بیان شده است، و به حال مسلمانان امروز خاصتا مردم کشور ما بسیار صدق میکند بخصوص که انتظار معجزه را از آسمان دارند.

البته هر موفقیت و پیروزی بستگی دارد به نیت باطن تا حالت یک ملت تغییر یابد که باید از ظلم و خیانت دوری جست، تا بجای بدبختی و مایوسی، امید و سعادت نصیب ملت مسلمان گردد.

پایان